

طراحی الگوی استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر آموزه های قرآن کریم

عبدالله حاجی صادقی^۱، نبی... دهقان^۲، محسن گودرزی^۳

پذیرش مقاله: ۹۶/۰۵/۱۲

دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۲۸

چکیده

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جهت گیری حاکمیت الهی و گفتمان استکبارستیزی آن، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان، با تقابل و تضاد جبهه حق با محوریت انقلاب اسلامی در برابر جبهه باطل به سرکردگی متجاوزان با محوریت استکبار جهانی آشکار و شفاف تر گردید و در عرصه ها و ابعاد مختلف ظهور و بروز یافت. بنیان گذار این نهضت مقدس، با پیروی از قرآن کریم و سیره ائمه هدی (علیه السلام) با کوتاه کردن دست ستم و سلطه قدرت های استکباری از کشور به اصلاح امور امت و تحکیم پایه های حکومت اسلامی پرداختند؛ و نهادهای پرثمری را یکی پس از دیگری در جامعه اسلامی ایران بنا نهادند. اهمیت این موضوع به منظور لزوم رهایی از سیطره استکبار و مقابله تمام عیار در جهت سعادت ملت و تبیین وظیفه ایمانی در این تحقیق به بحث و بررسی تفصیلی موضوع «استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران» از منظر آیات قرآن کریم می پردازد. این تحقیق بر مبنای دستاوردها از نوع کاربردی، بر مبنای اهداف و ماهیت از نوع پیمایشی، توصیفی تحلیلی و بر مبنای نوع داده های مورد استفاده از نوع آمیخته است. در این تحقیق تلاش شده است تا الگوی راهبردی استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر آیات قرآن کریم بررسی شود. جامعه آماری این پژوهش ۱۲ نفر از حوزه های خبرگان در موضوع مربوطه هست. روش جمع آوری اطلاعات و داده ها به روش کتابخانه ای و میدانی بوده و با استفاده از ابزارهای پرسش نامه و فیش برداری، داده های لازم جمع آوری شدند. و در تحلیل نهایی بر اساس نظریه داده بنیاد به استخراج آیات و روایات مربوطه و کدگذاری باز، محوری و نهایتاً کدگذاری انتخابی و ارائه الگوی راهبردی استکبارستیزی منتج گردید.

واژگان کلیدی: استکبار، جمهوری اسلامی ایران، استکبارستیزی، قرآن کریم

^۱ استادیار، فقه و حدیث، پژوهشگاه امام خمینی (رحمت الله علیه)

^۲ استادیار، مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) M.G.F@chmail.ir



مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی انقلاب اسلامی نفی هرگونه ظلم‌پذیری استبداد و رهایی از یوغ استکبار بوده است، همان‌طور که خداوند متعال در قرآن فرموده است: "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" و خداوند هرگز راهی برای سلطه‌ی کفار بر مسلمانان قرار نداده است.^۱ " برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی عمل به آموزه‌های قرآن کریم، حکم عقل و منطق و قانون اساسی ما را بر آن می‌دارد که در جهت حفظ عزت، استقلال و رعایت منافع کشور خود و همچنین دستیابی به پیشرفت و توسعه همه جانبه از یکسو و دفاع از حقوق همه ستمدیدگان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی را تا سر حد پیروزی نهایی ادامه دهیم. واضح است که منظور از مبارزه با استکبار، فقط مبارزه نظامی نیست. بلکه ضمن عدم مداخله در امور سایر کشورها و رعایت قوانین بین‌المللی، بیشترین تأکید بر مبارزه فرهنگی است که شامل جهت‌گیری استکبار علیه اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی جمهوری اسلامی که برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام و سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصومین (علیه‌السلام) است. وازطرفی تعمیق باور استکبارستیزی جمهوری اسلامی در دولت‌مردان و مردم به‌منظور ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است؛ و همچنین تلاش برای بیداری و رشد سیاسی ملل مظلوم جهان است. چنانکه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) می‌فرماید: «بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن استعمار سرخ و سیاه و خودفروختگان بی‌ارزش، فداکاری کنید» (صحیفه نور، ج ۱: ۲۵۴) نمی‌توان برای حیات زیر سلطه‌ی غیر، ارزشی قائل شد زیرا «ارزش حیات به آزادی و استقلال است». (همان، ج ۵: ۱۱۴)

بر همین اساس، مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌هایی که محقق رابرآن داشت تا به این موضوع مهم و کاربردی بپردازد، اولاً: عدم توجه دولت‌مردان به ابعاد سیاسی استکبارستیزی و نفوذ و تأثیرگذاری منفی استکبار در باور و روحیه‌ی برخی از آنان که عواقب بسیار خطرناک و غیرقابل جبرانی برای جمهوری اسلامی به دنبال داشته و خواهد داشت. ثانیاً: از دست دادن ملل مسلمان منطقه و سایر نهضت‌های آزادی‌بخش جهان که به تأسی از انقلاب اسلامی الگو گرفته‌اند. ثالثاً: از دست دادن عمق



۱- قرآن کریم، سوره نساء، آیه: ۱۴۱

راهبردی دفاعی در کشورهای مسلمان منطقه و جهان. رابعاً: به دلیل ناکامی و عدم نتیجه گرفتن استکبار در تقابل نظامی، تمرکز و اولویت خود را، جهت تخریب جان و روح انقلاب و اراده انقلابی و اسلامی مردم به‌ویژه مسئولین نظام را بر اساس جنگ نرم موردحمله و تهاجم قرار داده است. این تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که؛ استکبارستیزی جزء حقیقت دین مبین اسلام است و تصمیم‌گیری قاطع انقلابی در برابر استکبار جهانی در طول سه دهه‌ی انقلاب اسلامی، بارها به اثبات رسیده است که در هر موضوعی مادر مقابل استکبار جهانی و ایادی آن ایستادگی و مقاومت نموده‌ایم لاجرم آنان عقب‌نشینی کرده‌اند و ما به اهدافمان رسیده‌ایم. (هشت سال دفاع مقدس) و هرگاه در تصمیم‌گیری‌ها از موضع تعامل به همراه تسلسل برخوردار بودیم رفتار مشکلات عدیده به هم را عقب‌افتادگی و کوتاه آمدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی شده‌ایم. نمونه بارز وزنده آن بحث پیشرفت‌های چشم‌گیر در سایر حوزه‌های علم و فناوری، به‌ویژه در حوزه‌ی صنعت هسته‌ای کشور است. و **ضرورت این تحقیق، از آن جهت است که؛** چنانچه داشتن استکبارستیزی در جهان اسلام به‌ویژه در جمهوری اسلامی به‌خوبی تبیین نگردد باعث می‌گردد که دشمنان اسلام، تسلط دائمی خود را برکشور و ملل مسلمان جهان ادامه داده و ضمن تباه ساختن جامعه اسلامی، به انحراف مسلمانان از مسیر اصلی اسلام و قرآن و تعطیل کردن احکام الهی در جهت به یغما بردن منابع عظیم معنوی و مادی جهان اسلام برآمده و کیان اسلام و هستی مسلمانان از سوی دشمنان قسم‌خورده اسلام همیشه در خطر خواهد بود. لذا، استمرار و نورافشانی فرهنگ اسلام ناب محمدی (صلی... علیه و اله) و گسترش دامنه نفوذ انقلاب اسلامی در جهان، نیازمند عمق‌بخشی به رویکردهای قرآنی است؛ بنابراین ضرورت دارد با ارائه الگوی راهبردی استکبارستیزی جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم آسیب‌هایی از قبیل؛ سردرگمی در تعیین اولویت‌ها، نداشتن برآورد و عدم پیش‌بینی صحیح در مواجهه با تهدیدات و خطرات سیاسی فرهنگی از وابستگی و انفعال احتمالی مسئولان نظام در مقابل اقدامات تهدیدآمیز دشمنان، جلوگیری به عمل آورد.

مبانی نظری

پیشینه‌شناسی:

– مقاله علمی پژوهشی؛ بررسی روش‌های مبارزه با استبداد در قرآن، نوشته سید مهدی موسوی، منتشرشده در مرکز فرهنگ و معارف قرآن به مناسبت سالروز قیام پانزده خرداد ۱۳۹۴. نویسنده معتقد است، استبداد همواره مانعی بزرگ بر سر راه عزت و تعالی جوامع بوده است، از این رو توجه



به نگرش قرآن به مسئله استبداد می‌تواند در شیوه درست اتخاذ اندیشه و رفتار سیاسی برای جوامع کنونی اسلامی مفید باشد. این مقاله عهده‌دار تبیین اصول محوری و روش‌های مبارزه با حکومت‌های استبدادی و خودکامه‌ای که انبیا و اولیا با آن‌ها برخورد داشته‌اند اشاره دارد و از میان آن‌ها به حاکمیت استبدادی فرعون توجه ویژه‌ای نموده و آیات فراوانی را به ذکر آن اختصاص داده است.

- مقاله علمی پژوهشی؛ الزامات انقلاب اسلامی در مقابله با استکبار جهانی از نگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نوشته حسین شیداییان، منتشر شده در فصلنامه حصون، شماره ۱۱ بهار ۱۳۹۳. نویسنده در این پژوهش ضمن تأمل در مباحث عمیق و جامع انقلاب اسلامی انگیزه و رویکرد به اندیشه امامین انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی‌های لازم و فوق‌العاده جامع و کاربردی در پیدایش، پیروزی، تثبیت و استمرار و پویایی نظام اسلامی همچنین با توجه به اشراف کامل ایشان به مسائل و احاطه به رویدادها، قدرت تجزیه و تحلیل مرتبط با آینده انقلاب اسلامی، قادرند راه‌کارها و الزامات مطلوب در جهت تضمین و سلامت انقلاب اسلامی در افق آینده را ترسیم نمایند.

مفهوم شناسی:

استکبار: استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آنچه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد. برای بررسی بهتر «استکبار» مفاهیمی همچون استعلا، استضعاف ملاً و مُتَرَف در فرهنگ قرآنی و تحقیق در دیدگاه‌های اسلام درباره مستکبرین، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا با درک صحیح و دقت در محتوای آن‌ها راه‌آشنایی با منطق قرآن در حوزه‌ی استکبارستیزی هموار می‌گردد.

استعلا: استعلا یعنی؛ برتری طلبی، خودداری از پذیرش حق از روی دشمنی و تکبر و یا خودبزرگ‌بینی و نپذیرفتن حق (طریحی، ج ۳، ۱۳۷۵: ۶۷۵). با این تعریف که استکبار در افزون‌طلبی، و برتری جویی نسبت به دیگران سبقت می‌گیرد، به طوری که از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست و از آن او نیست آشکار می‌شود که این استکبار، مذموم و ناپسند است و بر همین اساس است آیاتی که در قرآن وارد شده است و همان است که خداوند تعالی در مورد شیطان فرموده است: **أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ**، مبارزه رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه‌السلام) با استکبار بر اساس همین تعریف فوق است که لغت‌شناسان آن را چنین معنا کرده‌اند: ۱. استکبار،



ریشه در یک بیماری روحی دارد؛ بیماری خودبزرگ‌بینی و دیگران را به حساب نیاوردن.^۲ مشخصه آشکار استکبار، «بزرگی طلبی» است و مستکبر تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا با فراهم آوردن اسباب و مقدمات، به «بزرگی» دست یابد.^۳ استکبار، چیزی جز خود را برتر از دیگران دانستن و همه را زیردست خویش دیدن و در یک کلمه «سلطه بر مردم» نیست. (المیزان، ج ۱۲، ۲۳۴)

مَلَأُ: «ملاً» از نظر لغت به معنای «جماعت» و در اصطلاح عبارت است از: اشراف، چهره‌های سرشناس و رؤسایی هستند که در اداره امور از به هم پیوستگی خاصی برخوردارند و سخن آنان مورد توجه دیگران است. (جوهری، ج ۱، ۱۳۷۶: ۷۲) در مجمع‌البیان نیز ملاً به «اشراف» تفسیر شده است. راغب اصفهانی نیز به این ویژگی در مفهوم ملاً تصریح کرده است که ملاً گروهی‌اند که بر رأی و نظر یگانه‌ای اتفاق داشته باشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۲) از مجموع کلمات اهل لغت استفاده می‌شود که شایع‌ترین معنای ملاً اشراف است؛ جماعتی که از قدرت و موقعیت در جامعه برخوردارند به طوری که هیبت آنان چشم و قلب توده مردم را پرکرده و به پیروی از آنان واداشته و کسی را یارای مخالفت با آنان نیست. این کلمه در قرآن، به معنای خواص، بزرگان، اشراف و کسانی است که امور حکومت بارای و نظر آنان می‌چرخد و حاکم معمولاً برای تصمیم‌گیری از آنان مشورت می‌خواهد و برای نظر آنان ارزش و احترام قائل است. قرآن کریم اشراف و اطرافیان ملکه سبا را «ملاً» خوانده است *قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّ إِلَهِي يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ... يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ* «ای اشراف، نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده ... ای اشراف، نظر خود را در این امر مهم برایم بازگوید که من هیچ کاری را بدون حضور و مشورت شما انجام نداده‌ام.»^۱ (توحید فام، ۱۳۸۲: ۲۸)

مُتَسَرِّفِينَ: این کلمه از ماده «تَرَفُّهُ» گرفته شده است که به معنای نعمت فراوان است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴) مترف به کسی می‌گویند که در نعمت‌های فراوان دنیوی قرار گرفته و سرگرم لذات و شهوات است. (ابن اثیر، ج ۱، ۱۴۱۵: ۱۷۸) چون افراد رفاه‌طلب و غرق در لذت، معمولاً به انجام وظایف الهی و انسانی توجهی ندارند و برای عیش و نوش بیشتر، به واجبات و تکالیف

^۱ - قرآن کریم، سوره، نمل، آیات: ۲۹-۳۳

^۱ - قرآن کریم، سوره واقعه، آیه: ۴۵



پشت پا می‌زنند، برخی در معنای مترف گفته‌اند: «کسی که برای رفاه بیشتر، از انجام واجبات سرباز می‌زند. (طبرسی، ج ۵، ۱۴۱۲: ۲۲۰) خداوند متعال در قرآن چنین بیان می‌دارند: «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ» آن‌ها پیش‌ازین در عالم دنیا مست و مغرور نعمت بودند^۱

دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام: و از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام؛ وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم است. این عمل می‌تواند داخلی باشد به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته و آن‌ها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و هم‌چنین می‌توانند بین‌المللی باشد، بدین معنا که دولت و یا کشوری سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن در گذشته و حال اعمال سیاست‌های استعمار گونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان است. (محمدی، ۳۳: ۱۳۷۷) استکبارستیزی یکی از ابعاد مهم دین مبین اسلام است. به عبارتی استکبار یکی از صفات مذمومه‌ای می‌باشد که در جامعه بشری همواره وجود داشته است و یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های انبیاء نیز مبارزه با استکبار بوده است جایگاه عظیم و رفیع این موضوع در دین مبین اسلام و به‌طور کلی در تمام ادیان الهی و سیره‌ی انبیاء عظام بوده و اهتمام به این اصل مهم و راهبردی داشته‌اند. (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۶۰۹)

زمینه‌ها و عوامل رویش استکبار: استضعاف: «استضعاف» از ماده «ضعف» است. لغت شناسان، ضعف را در برابر «قوت» دانسته‌اند. از این رو، در زبان فارسی، که قوت به توانایی تفسیر می‌شود، باید ضعف را مترادف با «ناتوانی» دانست. پس میان «ضعف و قوت» تقابل است. (العین، ج ۱: ۲۸۳) ابن اثیر در معنای مستضعف می‌نویسد: «مستضعف کسی است که دیگری او را ضعیف کرده و به واسطه فقر و بیچارگی‌اش، بر او قلدری و گردن‌کشی می‌کند. نتیجه این‌که هیچ‌یک از لغت شناسان مستضعف را به معنای ضعیف ندانسته‌اند. از این رو، صرف ناتوانی و ضعف به‌عنوان یک واقعیت عینی، استضعاف نیست و هر فردی صرفاً به دلیل آن‌که در یکی از ابعاد جسمی،



فکری، مادی و اقتصادی، قدرت و توان کافی ندارد و ضعیف است، مستضعف شمرده نمی‌شود. و دیگر آن‌که استضعاف وقتی رخ می‌نماید که چنین حوادثی پیش آید: (ابن اثیر، ج ۳، ۱۴۱۰: ۸۸)

الف؛ گروهی، مردم را در چنگ قدرت خود فشار دهند و توان و نیروی آنان را ربوده، آنان را ضعیف کنند. ب؛ قلدری و زورگویی جباران باعث استضعاف گردد. ج؛ استضعاف مولود نوعی «بینش» و «محاسبه» است. دیگران را ضعیف شمردن و آنان را ناتوان به حساب آوردن و توان و شایستگی آنان را نادیده انگاشتن. و چنین بینشی است که زمینه سلطه و قلدری مستکبران را فراهم می‌آورد. (سروش و وحیدری، ۱۳۸۶: ۲۲)

-انواع استضعاف: ضعف و ناتوانی در بدن، روح و فکر در صحنه‌های مختلف زندگی بشر خود را نشان می‌دهد. از این‌رو استضعاف نیز پهنه وسیعی دارد و کسانی که به ضعف کشیده می‌شوند و نیرو و توانشان ربوده می‌شود، دارای گروه‌هایی هستند؛ بر گروهی ضعف مادی و اقتصادی تحمیل می‌شود، از گروهی قدرت و قوت سیاسی گرفته می‌شود و گروهی دیگر به استضعاف فکری دچار می‌گردند.

الف؛ استضعاف فکری: کسانی که از توان تفکر و شناختن بی‌بهره‌اند و یا در اثر تبلیغات گسترده دشمن نیروی تفکر و امکان تحقیق از آنان گرفته شده است و توان جسمی و مادی برای هجرت و تحقیق ندارند و یا در غفلت کامل به سر می‌برند. اینان «جاهل قاصر» نامیده می‌شوند و مستضعفان فکری‌اند. قرآن درباره آنان می‌فرماید: «... أَلَا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَهُ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» ... مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان مستضعف که به‌راستی توان گریز و چاره‌ای نداشته و راهی برای نجات خود از دارالکفر^۱ نیافته‌اند.

ب- استضعاف اقتصادی اجتماعی: در برابر استضعاف فکری «استضعاف اجتماعی اقتصادی» مطرح است. از این زاویه، مستضعفان کسانی هستند که سرمایه‌های مادی آنان توسط مستکبران به تاراج رفته و نیروهای اقتصادی و سیاسی‌شان به ضعف تبدیل شده است و در نتیجه، به‌صورت طبقه‌ای محروم درآمده‌اند که در اداره نظام سیاسی جامعه خود و نیز در گردش اقتصاد، نقش فعالی ندارند. در آیات قرآن، به شرح حال مستضعفانی برمی‌خوریم که توان درک دعوت انبیا را داشته و

^۱ - قرآن کریم، سوره، نساء، آیه: ۹۸



مستضعف فکری نبوده‌اند، ولی با حاکمیت مستکبران در جامعه، تحت سلطه سیاسی و اقتصادی آنان قرار گرفته و توان به دست گرفتن حیات اجتماعی خود را نیافته‌اند. پیروان حضرت صالح (علیه السلام) چنین بوده‌اند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ اتَّعَلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ» سران و گردنکشان قوم صالح به ناتوانان و فقیرانی که به او ایمان آوردند، به تمسخر گفتند: «آیا شما اعتقاد دارید که صالح را خدا به رسالت فرستاده است؟!» مؤمنان جواب دادند: [بی‌هیچ شکی] به آیینی که از طرف خدا بر او فرستاده شده، ایمان داریم.^۱ در این آیه، از گروه مؤمنان، به‌عنوان مستضعف یاد شده است و این استضعاف می‌تواند جنبه اقتصادی داشته باشد؛ یعنی کسانی که از نظر مادی ضعیف شده‌اند و سرمایه‌داران و اشراف نیروهای مالی آنان را با استعمار از بین برده و به‌صورت گروهی محروم و فقیر درآورده‌اند. (طبرسی، ج ۵، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

ج- استضعاف سیاسی: یکی از ابعاد استضعاف اجتماعی، «استضعاف سیاسی» است که توان و قدرت فرد یا گروهی در صحنه سیاست و رهبری جامعه از او گرفته می‌شود و با ربودن اسباب و ابزار دخالت او در جامعه و متفرق کردن یاران و هوادارانش، ضعف و ناتوانی بر او تحمیل می‌گردد. این‌گونه استضعاف، معمولاً بر عناصر آگاه، فعال و هدایتگر جامعه تحمیل می‌شود. استضعاف سیاسی در شرایطی به سراغ نیروهای جهت دهنده جامعه می‌آید و آنان را از میدان رهبری بیرون می‌کند، که سردمداران اغواگر، توده‌های ناآگاه و مرعوب را به استخدام خود درآورند. نتیجه این استخدام، تنها ماندن رهبران الهی و سرانجام، مقهورت آنان است. حضرت هارون (علیه السلام) که در دوران هجرت حضرت موسی (علیه السلام) به میقات، رهبری بنی اسرائیل را بر عهده داشت، با چنین فاجعه‌ای روبه‌رو گردید. با به میدان آمدن سامری و فریب‌هایش، بیشتر مردم از او جدا شدند. در این هنگام نه تنها مردم به رهبری هارون (علیه السلام) برای مقابله با سامری اعلام آمادگی نکردند، بلکه تسلیم سامری شدند و حتی در برابر اعتراض هارون، کمر به قتل او بستند. «وَ أَخَذَ بِهِ رَأْسَ أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ، قَالَ ابْنُ أُمَّ أَنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي» (از فرط غضب، موسی) سر برادرش را به سوی خود کشید، [هارون] گفت: ای فرزند مادرم [بر من خشمگین مباش که من با نهایت

^۱ - قرآن کریم، سوره، اعراف، آیه: ۷۵



کوشش و فداکاری قوم را هدایت کردم] آنان مرا خوار و زبون کردند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل برسانند.^۱ (مجلسی، ج ۴، ۱۴۰۴: ۲۸)

فقر فرهنگی و وابستگی فکری: گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه‌ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می‌دهند و از آن‌ها پیروی می‌کنند *فَيَقُولُ الضُّعْفُو لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا* «ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما پیرو شما بودیم»^۲ دسیسه‌های شبانه‌روزی مستکبران برای القای اندیشه‌های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان‌کننده پیروی مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است. استضعافی که این‌گونه ایجاد شده است، دست‌کمی از استکبار ندارد و چنین مستضعفانی در گمراهی و عذاب اخروی با مستکبران همراه و همگام‌اند *وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ* و اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان برای حساب و جزا نگه‌داشته شده‌اند، درحالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی! مستضعفان به مستکبران می‌گویند اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند، آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد و آن را به‌خوبی دریافتید؟ بلکه شما خود مجرم بودید و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز مایه گمراهی ما شد، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم؛ و آنان هنگامی که عذاب را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند تا بیش‌تر رسوا نشوند؛ و ما غلو زنجیر در گردن کافران می‌نهمیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!^۳ و *قَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرٌ آلِيلٍ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَلَ فِي آعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* این

^۱ - قرآن کریم، سوره، اعراف، آیه: ۱۵۰

^۲ - قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه: ۲۱

^۳ - قرآن کریم، سوره سبأ، آیات: ۳۰-۳۱



آیات، مستضعفان در قیامت با خطاب به مستکبران، آنان را سبب بی‌ایمانی خود می‌دانند و می‌گویند: شما با دسیسه‌های شبانه‌روزی، ما را به کفر به خداوند وادار کردید. مستکبران در قالب استفهام انکاری پاسخ می‌دهند: «آیا ما راه هدایت را بر شما بسته بودیم؟ این چنین نیست؛ بلکه شما خود مجرم و گناهکارید.» همچنین آیات فوق به پشیمانی و عذاب آخروی مستکبران و مستضعفان، هر دو، اشاره دارد.^۱

سلطه طلبی، شوکت ظاهری و توانگری اقتصادی: اقوامی که دارای تمدن‌های عظیم گشته و قدرت و شوکت کم‌نظیر به دست آورده‌اند، این قدرت و تمکین در زمین آنان را به طغیان و خیره‌سری کشانده است. قرآن درباره قوم خیره‌سر و طغیانگر عاد می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاھُمْ اَنْ مَكَّنَّاكُمْ فِیْهِ» آنان را قدرت و مکتی در زمین دادیم که به شما نداده‌ایم»^۲ و درباره اقوام طغیانگر دیگر می‌فرماید: «الْمَ یَرَوْنٰكُمْ اَھْلَکُمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّنَّاھُمْ فِی الْاَرْضِ مَا لِمَ نُمَكِّنْ لَّكُمْ» آیا ندیدند که چه بسیار امت‌هایی را هلاک کردیم که اقتدار و مکتی بدانان داده بودیم که به شما هنوز نداده‌ایم؟^۳ همچنین امکانات مالی و توانگری اقتصادی، در انسان احساس بی‌نیازی می‌آفریند و این احساس بی‌نیازی، او را به طغیان در برابر خدا و خلق وامی‌دارد: «سِنَّ الْاِنْسَانَ لَیَطْغٰی * اِنْ رَاہُ اسْتَعْنٰی» همانا انسان طی‌تان می‌ورزد اگر خود را بی‌نیاز ببیند.^۴ مترفان، که از امکانات مادی فراوان برخوردارند، به‌سوی خوش‌گذرانی و ولنگاری می‌گرایند و از پذیرش قیود و قوانین محدودکننده آزادی‌های بی‌حساب، ابا می‌ورزند. از طرف دیگر، این غرقه بودن در نعمت در آن‌ها روحیه خودبینی می‌آفریند و گمان می‌برند که در پیشگاه خدا ارج و قرب خاصی دارند که دیگران از این ارج و قرب محروم‌اند و گرنه آنان نیز از این امکانات بهره‌مند می‌شدند. «وَ اِذَا اَنْعَمْنَا عَلٰی الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَ نَآبِجَانِبِہِ» و هرگاه به انسان [غافل و بی‌خبر] نعمت دهیم، روی می‌گرداند و باحال تکبر از حق دور می‌شود.^۵ این انسان مستکبر، حتی نعمت‌ها را نه اعطای خداوند و فضل و بخشش محض او، بلکه

^۱ - قرآن کریم، سوره سبأ، آیه: ۳۳

^۲ - قرآن کریم، سوره احقاق، آیه: ۲۶

^۳ - قرآن کریم، سوره انعام، آیه: ۶

^۴ - قرآن کریم، سوره فصلت، آیه ۵۱

^۵ - قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۳۶



حاصل علم تدبیر خود می‌شمرد: «أَنَا أَوْتِيْتُهُ عَلِيَّ عِلْمٍ عِنْدِي» این ثروت را به دلیل دانشی که دارم به دست آورده‌ام؛ بنابراین قدرت و شوکت کم‌نظیر امکانات مالی و توانگری اقتصادی زمینه‌ساز استکبار می‌شود.

غرور علمی: عالمانی که مهذب نیستند، گرفتار غرور علمی می‌گردند و به واسطه آن علم، به‌ویژه اگر علم دینی باشد، مغرور می‌شوند و دیگر حاضر به شنیدن هیچ سخن و نظر دیگری نیستند و غیر خود را بر حق همی‌شورند و گوش به سخن دیگری نمی‌دهند. «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» هنگامی که رسولان نشان، دلایل روشن برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال شدند [و دل بستند] و آنچه را به تمسخر می‌گرفتند، آنان را فراگرفت.^۱ قرآن در آیاتی بسیار از عالمان اهل کتاب و استکبار و انحرافشان سخن گفته است: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» بسیاری از کشیشان و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا جلوگیری می‌کنند پس آنان را به عذاب دردناک بشارت‌ده.^۲ نتیجه اینکه اگر علم حاصل در مسیر الهی و برای خدا نباشد سبب عجب غرور گردیده زمینه‌ساز استکبار می‌گردد.

کسب سلطه جهانی و تجاوز به حقوق دیگر ملل: دست‌یابی به امکانات موجود در سراسر جهان، یکی از عوامل رویش کشورهای استکباری است. از این رو، کسب سلطه جهانی و تصاحب ذخایر ملت‌های دیگر و به چنگ آوردن شریان حیات اقتصادی جهان، از عواملی است که در تمامی مستکبران دیده می‌شود. یکی از روش‌های اساسی و مهم استکبار جهانی، برای حفظ سلطه و برتری خود بر جهان و ادامه بقا و حیات خویش، جلوگیری از پیشرفت ملت‌های مستضعف است. استکبار، در این جهت، از انجام هیچ‌گونه اقدامی اعم از جذب نخبگان کشورهای جهان سوم و یا کشورهای در حال پیشرفت، کارشکنی در برنامه‌های آنان، اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، به بهانه‌های مختلف دریغ نمی‌ورزد. (محمدی، ۱۳۷۷: ۳۲)

^۱ - قرآن کریم، سوره غافر، آیه ۸۳

^۲ - قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۴

^۳ - قرآن کریم، سوره جاهیه، آیه ۳۱

^۴ - قرآن کریم، سوره جاهیه، آیه ۳۱



ترویج فساد با فریب و خدعه: چون مبنای فکری و عقیدتی مستکبران را دنیاپرستی تشکیل می‌دهد و بر معیار خودپرستی عمل می‌کنند، از این رو، در منجلاب شهوت غوطه‌ور می‌شوند و بی‌بندوباری را به اوج می‌رسانند. آنان نه تنها خود فاسدند، بلکه ریشه هر فساد اجتماعی‌اند و از این قشر، بی‌بندوباری به افشار پایین جامعه سرایت می‌کند و آلودگی در سطحی گسترده پخش می‌شود. (سروش و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۷)

تبلیغات شیطنت‌آمیز و همراه با مکر و حيله، از دیگر روش‌های مستکبران برای خاموش کردن فریاد حق‌طلبانه انسان‌های الهی، فضای جامعه را از دوره و تهمت پر می‌کنند تا تشخیص حقیقت برای توده مردم سخت شود. از این رو، در تاریخ پیوسته پیامبران را «ساحر» یا «مجنون» معرفی کرده‌اند: «ما اتی مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» هیچ پیامبری پیش از آنان نیامد، مگر آن‌که گفتند: «جادوگر یا دیوانه است»^۱ سپس در برابر دعوت موسی، فرعون می‌گفت: «أَتَىٰ أَحَافَءَ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» می‌ترسم که او دین شما را عوض کند یا در زمین فساد بیفکند.^۲ او بدین وسیله به مردم القا می‌کرد که شما، خود، دارای دین و آیین هستید و با بودن موسی از دو جهت نگران شما هستیم: یکی آن‌که عقیده شما را بگیرد و دیگر آن‌که اختلاف‌افکنی کند و فساد به پا نماید. (تفسیر المیزان، ج ۱۷، ۱۳۷۴: ۳۲۸)

تهاجم فرهنگی (رواج آداب و رسوم قومی): مستکبران برای ایجاد الفت و اعتقاد میان زیردستان خود و به وجود آوردن اتحاد قومی و تاریخی، به آداب و رسوم قومی و قبیله‌ای توسل می‌جویند و با ساختن نمادهای قومی و رواج آن‌ها، همگی را پیرامون این نمادها گرد می‌آورند. عشق و اعتقاد به این نمادها، هیچ دلیل عقلانی ندارد و تنها از علاقه قومیت، ملیت و پابندی به رسوم و اعتقادات آبا و اجدادی نشأت می‌گیرد: «أَتَمَّا أَخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» بی‌گمان، شما غیر از خدا، بتانی برای خود برگزیده‌اید که مایه محبت و الفت شما در زندگی دنیا باشد.^۳ آنگاه مستکبران، در مقابله با دعوت‌های اصلاح‌طلبانه و نجات‌بخش، به فرهنگ و سنت‌های ملی جامعه تکیه می‌کنند و به‌عنوان دفاع از فرهنگ و آیین ملی مردم را به صحنه می‌آورند و آنان

^۱ -قرآن کریم، سوره الذاریات، آیه: ۵۲

^۲ -قرآن کریم، سوره غافر، آیه: ۲۴

^۳ -قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه: ۲۵



را در برابر پیام‌آوران انقلاب قرار می‌دهند؛ چنان‌که فرعون به مردم می‌گفت: «موسی و هارون آمده‌اند تا شیوه برتر شمارا بر هم زنند. پس همه توان خود را به صحنه آورید»^۱ و امروزه تحت عنوان فرهنگ غربی مدرنیته بر مسلمانان اعمال می‌شود.

تفرقه و اختلاف: مستکبران ستمگر، برای اینکه پایه‌های حاکمیت خود را محکم کنند و از خشم توده‌های مردم برای همیشه در امان باشند، از روش ایجاد اختلاف و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای نیز بهره می‌گیرند. سیاهان را علیه سفیدها، کردها را علیه فارس‌ها، شیعه را علیه سنی ... تهیج می‌کنند و به جان هم می‌اندازند و خود آتش‌بیار معرکه می‌شوند تا نیروی آنان در این درگیریها مصرف شود و دیگر نه فرصت تفکر درباره حاکمیت و ظلم‌های او را بیابند و نه قدرت قیام علیه او را. خداوند درباره شیوه استکباری فرعون می‌فرماید: «انَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ اِبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» فرعون در زمین بلندپروازی کرد و اهل آن را دسته‌دسته ساخت، گروهی را به استضعاف گرفت، پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده نگاه می‌داشت و او از فساد کاران بود»^۲ در مقابل، او قبطیان را برتری می‌داد و از مواهب حکومت بهره‌مند می‌ساخت و بر بنی اسرائیل مسلط می‌کرد. بنی اسرائیل را دشمن آنان معرفی نمود و این دو گروه را به جان هم می‌انداخت و دشمنی بین آنان را شعله‌ور می‌کرد.

مبانی و عوامل اعتقادی مبارزه با استکبار: استکبارستیزی یکی از ابعاد مهم دین مبین اسلام می‌باشد. به عبارتی استکبار یکی از صفات مذمومه‌ای می‌باشد که در جامعه بشری همواره وجود داشته است و یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های انبیاء نیز مبارزه با استکبار بوده است. در این زمینه بهتر است به استکبارستیزی از منظر دین مبین اسلام اشاره‌ای داشته باشیم تا با دریافت جایگاه عظیم و رفیع این موضوع در دین مبین اسلام و به‌طور کلی تمام ادیان، علت اهتمام به این اصل را بهتر بفهمیم، هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی عقلاً و شرعاً بر اساس منطقی و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است. اولاً؛ از نظر عقلی؛ نمی‌توان

^۱ -قرآن کریم، سوره طه، آیه: ۶۳

^۲ -قرآن کریم، سوره قصص، آیه: ۴



«برای حیات زیر سلطه غیر» ارزشی قائل شد زیرا «ارزش حیات به آزادی و استقلال است» (صحیفه نور، ج ۵: ۱۱۴)

لذا حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) تأکید دارند بر اینکه «این مطابق هیچ منطقی نیست که سی میلیون جمعیت، همیشه تحت فشار باشد و همیشه این جمعیت کار بکنند و حاصل کارشان را دیگران ببرند» زیرا «زندگانی‌ای که در آن استقلال نباشد و یک ملتی به زحمت کار بکنند برای استفاده دشمن‌ها، اینکه زندگانی نیست» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۳۸ و ج ۶: ۲۳۳)

ثانیاً؛ از نظر شرعی؛ در آیات و روایات متعدد، کسانی که مورد ظلم و تهاجم استکبار، قرار گرفته‌اند، موظف به دفاع و مقابله با مستکبرین شده‌اند. به‌عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است^۱ «و در آیه ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ ... چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید...؟!»^۲ و در این آیه پاسخ تمام‌کننده بیان می‌شود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد^۳ و کسانی که در راه حمایت از مستضعفین کوتاهی و سستی می‌کنند، مورد مواخذه قرار می‌گیرند: «مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ»^۴ شمارا چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟ همان‌گونه که حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» بر این اساس و مطابق با اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین

^۱ - قرآن کریم، سوره نساء، آیه‌ی: ۱۴۱

^۲ - قرآن کریم، سوره نساء، آیه‌ی: ۷۵

^۳ - قرآن کریم، سوره بقره آیه‌ی: ۱۹۰

^۴ - قرآن کریم، سوره صافات، آیه‌ی: ۲۵

^۵ - نهج البلاغه، نامه: ۴۷



خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۲)

در همین رابطه از بیانات راهگشای ولی امر مسلمین جهان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بهره می‌بریم که فرموده‌اند؛ مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است؛ یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار. (بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۴)

نفی هرگونه ذلت‌پذیری قاعده‌ی قرآنی:

الف- فقهای اسلام بر طبق آیه شریفه وَ لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.^۱» قاعده‌ای را از فقه اسلامی استخراج نموده‌اند به نام قاعده نفی سبیل^۱ معروف است. که با استفاده از آن و آیات و روایات دیگر، هر فعل و اقدامی را که باعث باز شدن راهی برای سلطه کفار و مشرکین بر جامعه اسلامی گردد، حرام و نامشروع می‌دانند.

ب- سستی در برابر استکبار ممنوع: آن‌ها (دولت مردان) حق ندارند سستی کنند و برخلاف نص صریح قرآن کریم، مشرکین و کفار را به صلح دعوت نمایند و تصور کنند نزاع ما با آمریکا روزی خاتمه خواهد یافت و قهر ما با آمریکا و ذات استکباری و ظالمانه‌اش ابدی نیست، ایران دستش را پیش آمریکا، انشاءالله تا ابد دراز نمی‌کند و لو اینکه فانی بشود (صحیفه امام، ج ۱۸: ۱۴)

ج- نبرد با استکبار پایان پذیرفتنی نیست: قهر و خشم، مبارزه و نبرد علیه ظلم و فتنه‌انگیزی آمریکا پایان ندارد، چون «دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرورفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛



^۱ - قرآن کریم، سوره‌ی نساء، آیه‌ی: ۱۴۱

چراکه مرد جنگیم... و تا بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست؛ و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۷)

د- راه سازش با جهان خواران مشخص است؛ کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بنبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۸)

ه- **حفاظت از اصل برائت:** اکنون نیز حفاظت از اصل برائت از مشرکین و عزت طلبی و صدق بیعتی که با خون شهدای انقلاب اسلامی به رسول... (صلی... علیه و آله) و اسلام و خط امام (رحمت... علیه) اعلام گردیده است، استقامت می‌طلبد. لذا واجب است «بیعتی که با امام خمینی (رحمت... علیه) کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم. آن‌کسانی که بیعت با امام را بیعت با انقلاب، بیعت با جمهوری اسلامی را می‌شکنند، به خودشان ضرر می‌زند: این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه‌داریم.» (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار معلمان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲)

راه کارهای مقابله با استکبار از منظر قرآن:

— **اطاعت از رهبری:** با عنایت به اهمیت و جایگاه رهبری در آموزه‌های دین مبین اسلام، ضرورت هم‌گرایی و همدلی بین امت اسلامی در جهت تبعیت و حمایت از رهبری امت اسلامی یک اصل مسلم می‌باشد؛ و بایستی تقویت و استحکام آن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند و بر محور ولایت چون پروانه بگردند و با اطاعت کامل در پرتو رهنمودهای او، از گزند دشمنان داخلی و خارجی جلوگیری نماید تا آیین اسلام به‌طور کامل حفظ گردد.

بر همین اساس خداوند متعال در قرآن مجید بیان می‌دارند؛ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.» ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به این منظور که به فرمان خدا از وی اطاعت شود و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذازند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها



استغفار می‌کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.^۱ و در سایه اطاعت از رهبری امت اسلامی فلاح و نجات مطرح می‌گردد؛ و تنها رمز پیروزی و نجات جامعه اسلام از تحت یوغ استکبار راهبرد بزرگ خداوند تبارک و تعالی است، که فرمودند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۲ یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های مبارزه توجه به مسئله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است همان دستوری که اگر انجام نمی‌گرفت جنگ بدر به شکست کامل مسلمانان منتهی می‌شد، لذا در آیه بعد می‌گوید: و اطاعت خدا و پیامبرش کنید و از پراکندگی و نزاع بپرهیزید زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است (فَتَفْشَلُوا)؛ و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست

— **عدم سستی، ضعف و ترس از دشمن:** در اهمیت این موضوع خدای سبحان می‌فرماید: وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۳ پیامبران بسیاری بودند که خداپرستان مبارزی در صف یاران آن‌ها قرار داشتند. سپس رفتار و گفتار آن‌ها را چنین شرح می‌دهد: آنان به یاری پیامبران خود برخاستند و از تلفات سنگین و جراحات سخت و مشکلات طاقت‌فرسایی که در راه خدا دیدند هرگز سست و ناتوان نشدند، آن‌ها در مقابل دشمن هیچ‌گاه تضرع و زاری و خضوع و کرنش نکردند و تسلیم اوامردشمنان خود نگردیدند. بدیهی است خداوند هم‌چنین افرادی را دوست دارد که دست از مقاومت برنمی‌دارند. در این آیه خداوند متعال برتری مؤمنین بر کفار را مطرح می‌کند و چنین می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۴ در این آیه به مسلمانان هشدار داده شده که مبادا از باختن یک جنگ، سستی به خود راه دهند و غمگین گردند و از پیروزی نهایی مأیوس شوند، زیرا افراد بیدار همان طور که از پیروزی‌ها استفاده می‌کنند از شکست‌ها نیز درس می‌آموزند و در پرتو آن نقاط ضعفی را که سرچشمه شکست

^۱ - سوره نسا، آیه ۶۴

^۲ - قرآن کریم، سوره انفال، آیه: ۴۸

^۳ - قرآن کریم، سوره الف عمران، آیه: ۱۴۶

^۴ - قرآن کریم، سوره الف عمران، آیه: ۱۳۲



شده، پیدا می‌کند و با برطرف ساختن آن برای پیروزی نهایی آماده می‌شوند. جمله شما برترید اگر ایمان داشته باشید، یک جمله بسیار پر معنی است یعنی شکست شما در حقیقت برای از دست دادن روح ایمان و آثار آن بوده، شما اگر فرمان خدا و پیامبر را در این میدان زیر پا نمی‌گذاشتید گرفتار چنین سرنوشتی نمی‌شدید و باز هم غمگین نباشید اگر بر مسیر ایمان ثابت بمانید پیروزی نهایی از آن شما است و شکست در یک میدان، به معنی شکست نهایی در جنگ نیست. (تفسیر نمونه: ج ۳: ۱۰۷)

— **حفاظت از روحیهٔ تهاجمی:** به دنبال آیات مربوط به جهاد و هجرت، آیه فوق برای زنده کردن روح فداکاری در مسلمانان چنین می‌گوید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانِ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» هرگز از تعقیب دشمن سست نشوید. (وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ). اشاره به اینکه هرگز در برابر دشمنان سرسخت حالت دفاعی به خود نگیرید، بلکه همیشه در مقابل چنین افرادی روح تهاجم را در خود حفظ کنید، زیرا از نظر روانی اثر فوق العاده‌ای در کوبیدن روحیه دشمن دارد، همانطور که در حادثه احد بعد از آن شکست سخت، استفاده کردن از این روش سبب شد که دشمنان اسلام که با پیروزی میدان نبود را ترک گفته بودند فکر بازگشت به میدان را که در وسط راه برای آنها پیدا شده بود از سر بدر کنند و با سرعت از مدینه دور شوند. سپس استدلال زنده و روشنی برای این حکم بیان می‌کند و می‌گوید: چرا شما سستی به خرج دهید در حالی که اگر شما در جهاد گرفتار درد و رنج می‌شوید دشمنان شما نیز از این ناراحتی‌ها سهمی دارند، با این تفاوت که شما امید به کمک و رحمت وسیع پروردگار عالم دارید و آنها فاقد چنین امیدی هستند (تفسیر نمونه: ج ۴: ۱۰۸-۱۰۹)

— **برخورداری از روحیهٔ جهادی در پرتو نیروی باایمان و شجاع:** جهاد اسلامی نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است. هدف یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند و همچنین محو آثار شرک و بت پرستی و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع

۱ - قرآن کریم، سوره آل نساء، آیه: ۱۰۴



در برابر آنان است. لذا با داشتن روحیه جهادی در جهت حفظ دین و رفع هرگونه فتنه و فسادچنین مطرح می‌شود. وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ^۱» در این آیه به هدف جهاد در اسلام اشاره کرده، می‌فرماید: با آنها پیکار کنید تا فتنه از میان برود. و دین مخصوص خدا باشد و برای تحقق این هدف مقدس، نیروی انسانی موثرترین و مهم‌ترین رکن تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هرکشور بوده و انسان مهمترین، شریف‌ترین و با ارزش‌ترین سرمایه و منبع عظمت و کمال هرکشور چه در بعد ملی و چه در زمینه سازمانی محسوب می‌شود. از جمله عوامل اساسی در تعیین توان رزم و مقابله با استکبار است و خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اُفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ بَيِّتْ اُقْدَامَنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ^۲ در این آیه، مساله رویارویی دو لشکر مطرح شده، می‌فرماید: هنگامی که طالوت و سپاه او، به جایی رسیدند که لشکر نیرومند جالوت، نمایان و ظاهر شد و در برابر آن قدرت عظیم صف کشیدند، دست به دعا برداشتند و از خداوند سه چیز طلب کردند، نخست صبر و شکیبایی و استقامت، در آخرین حد آن، لذا تعبیر به اُفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا کردند. دومین تقاضای آنها از خدا این بود که گام‌های ما را استوار بدار تا از جا کنده نشود و فرار نکنیم، در حقیقت دعای اول جنبه باطنی و درونی داشت و این دعا جنبه ظاهری و برونی دارد و مسلماً ثبات قدم از نتایج روح استقامت و صبر است. سومین تقاضای آنها این بود که ما را بر این قوم کافر یاری فرما و پیروز کن که در واقع هدف اصلی را تشکیل می‌دهد و نتیجه نهایی صبر و استقامت و ثبات قدم است. به یقین خداوند چنین بندگان را تنها نخواهد گذاشت هر چند عدد آنها کم و عدد دشمن زیاد باشد. (تفسیر نمونه، ج ۲: ۲۴۵-۲۴۶) الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ^۳ این آیه مهمترین اوصاف مؤمنان عامل را بیان می‌کند: آنها کسانی هستند که در برابر مشکلات صبر و استقامت به خرج می‌دهند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. از زن و فرزند و دوستان و بستگان و خانه و کاشانه خود جدا می‌شوند و صبر می‌کنند. مرارت‌های غربت و سختی‌های آوارگی از وطن

^۱ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه: ۱۹۳

^۲ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه: ۲۵۰

^۳ - قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه: ۵۹



را می‌چشند و شکیبیا هستند. برای حفظ ایمان خود آزار دشمنان را به جان می‌خرند و در راه جهاد با نفس که جهاد اکبر است و مبارزه با دشمنان سر سخت که جهاد اصغر است از انواع مشکلات استقبال می‌کنند و صبر می‌کنند. آری این صبر و استقامت رمز پیروزی آنها و عامل بزرگ افتخار آنان است که بدون آن هیچ عمل مثبتی در زندگی امکان پذیر نیست.

— **نفی سلطه پذیری و عدم طرح دوستی با استکبار:** قاعده نفی سلطه از مستندات لازم الرعایه در حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان است که براساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است؛ یعنی خداوند در قوانین و شریعت اسلام به هیچ وجه راه نفوذ و تسلط کفار را بر مسلمانان باز نگذاشته و کافر در هیچ زمینه ای نمی تواند بر مسلمان مسلط شود. لذا از دیدگاه حکومت اسلامی، روابط خارجی کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی باید بر اساس این قاعده فقهی قرآنی برنامه ریزی و کنترل شود، زیرا در صورت عینیت بخشیدن و عملی کردن این اصل، تمام راه های نفوذ و تسلط کفار و بیگانگان در تمام زمینه ها مسدود می شود. قاعده نفی سلطه در روابط خارجی اسلام و مسلمانان حق «وتو» دارد، یعنی اگر یک قرارداد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... از سوی دولتمردان سرزمین اسلامی با کفار بسته شود که مقدمه و زمینه سلطه کفار بر مسلمانان شود، این قاعده فقهی، آن قرارداد را باطل می سازد. شکوری، ۱۳۹۱:۸۴ قرآن کریم در همین زمینه هشدار می دهد؛ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ^۱ با دشمنان طرح دوستی نریزید؛ و در این آیه به همین مناسبت مؤمنان را از دوستی با کافران شدیداً نهی می کند، زیرا اگر این دوستی ها به خاطر کسب قدرت و ثروت و عزت است، همه اینها به دست خدا است. این آیه در واقع یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می دهد که بیگانگان را به عنوان دوست و حامی و یار و یاور هرگز نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند، زیرا ضربه های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است.

^۱ - قرآن کریم، سوره ال عمران آیه: ۲۸



— **خودباوری و اعتماد به نفس:** برای نیل به موفقیت هیچ مقدمه‌ای مقدم‌تر از خودباوری و اعتماد به نفس نیست. خودباوری و اعتماد به نفس از نگاه قرآن؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم^۱ لذا، انسان از جهت اینکه اولاد آدم است، عزت ذاتی دارد؛ ولی در جریان زندگی، عوامل خارجی و محیطی است که این عزت را از او می‌گیرد و او را به موجودی پست و ذلیل تبدیل می‌کند. یکی دیگر از نشانه‌های اعتماد به نفس، آرامش است. «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ و گر نه پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است!^۲ درایه ای دیگر بحث اطمینان قلب را از عوامل مهم خودباوری و اعتماد به نفس می‌داند؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد^۳

— **بصیرت و هوشیاری:** باتوجه به این که بصیرت از واژه‌های قرآنی نیز هست، مروری بر آیات مشتمل بر این واژه، ما را در فهم بهتر از معنای آن یاری می‌کند. یکی از شیوه‌های قرآن کریم برای شناساندن این مفهوم، شیوه مقایسه‌ای است؛ یعنی با طرح واژه‌های متضاد با بصیرت در شناساندن آن به ما کمک می‌کند، مانند این آیه شریفه: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْواتُ»؛ و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند و نه ظلمتها و روشنایی و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند و تو

^۱ - قرآن کریم، سوره اسری، آیه: ۷۰

^۲ - قرآن کریم، سوره انفال، آیه: ۱۰

^۳ - قرآن کریم، سوره الرعد آیه: ۲۸



نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی!^۱ در مقایسه بین کور و بینا، ظلمات و نور، سایه و باد سوزان و زندگان و مردگان، این مطلب را درک می‌کنیم که انسان بصیر، صاحب نور و در فضای نورانی قرار دارد؛ از محیط داغ و سوزان به دور است و از زندگانی حقیقی برخوردار است.

— **کسب توانایی های لازم:** قرآن کریم بمنظور کسب قدرت و توانایی های لازم در جهت مبارزه بادشمنان مستکبر می فرماید؛ **وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ اٰخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...**^۲ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. یادرجهت هدایت طواغیت اینگونه بیان می نماید؛ پس از آنکه حضرت موسی (علیه السلام) به مقام نبوت رسید خداوند به او فرمود **«اٰذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى»**^۳ به سوی فرعون برو که طغیان کرده است؛ و توانایی ها و وسائل لازم برای پیروزی در این مأموریت را از خداوند متعال چنین درخواست نمود عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار. کار مرا بر من آسان گردان و گره از زبانم بگشا که سخنان مرا بفهمند و وزیری از خاندانم برای من قرار بده؛ برادرم هارون را به وسیله او پشتم را محکم کن» از این درخواست روشن می شود برای مقابله با استبداد به امکانات و وسایل ویژه ای نیاز است که بدون آن ها نمی توان اقدام نمود. بنابراین می شود، با اطاعت از رهبری جامعه و داشتن روحیه جهادی و خودباوری، گفتمان استکبارستیزی، بصیرت و هوشیاری، قدرت ایمان، توکل و قاطعیت باتمسک به ثقل اکبر و فرار گرفتن در مسیر ثقل اصغر، زمینه ساز عمل به رهنمودهای روشن بینانه کلام وحی در جهت مقابله و ایستادگی در برابر کفار و مستکبرین شده و می توان به پیروزی بزرگ و نجات جامعه از تحت سلطه استکبار رسید.

۱ - قرآن کریم، سوره فاطر، آیات: ۱۹-۲۲

۲ - قرآن کریم، سوره انفال آیه: ۶۰

۳ - قرآن کریم، سوره طه آیه: ۱۷



روش شناسی تحقیق:

نوع تحقیق: تحقیق حاضر به دنبال کشف مفاهیم، مقوله‌ها و راهبردهای استکبارستیزی از منظر قرآن کریم است و به روش نظریه داده بنیادی انجام می‌شود. از نظر ماهیت در دسته پژوهش‌های اکتشافی است و چون درصدد دستیابی به الگوی راهبردی اثربخش در حوزه استکبارستیزی است از لحاظ هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی است و روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری نظری (تئوریک) بوده، لذا همه گزاره‌های استخراج‌شده در مورد استکبارستیزی در جداول کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفته است. بر اساس انتخاب آیات (گزاره‌های انتخابی از تفسیر نمونه) مرتبط با استکبارستیزی؛ احصاء سپس کدها (مفاهیم) موجود در آن‌ها تبیین شد و در ادامه کدهای مشترک جمع‌بندی و مقوله‌های استنباطی با کدگذاری محوری استخراج گردید؛ و مشخص نمودن نوع مقوله‌ها و سرانجام با کدگذاری انتخابی و تولید قضایا به بیان رابطه مفهومی بین مقوله‌های استکبارستیزی اقدام می‌کند. و **جامعه‌ی آماری** تحقیق حاضر؛ مشتمل بر کلیه آیات نورانی قرآن کریم، تفاسیر قرآن کریم، لوح‌های فشرده قرآنی با تأکید بر تفسیر نمونه در حوزه موضوعی استکبارستیزی و همچنین صاحب‌نظران و خبرگان کشور در زمینه‌های علوم و معارف قرآنی و امور استکبارستیزی با ویژگی‌های عام و خاص بوده و در واقع حجم نمونه آماری به تأیید جامعه خبرگی رسیده است. در این تحقیق **روش گردآوری داده‌ها**، از روش کتابخانه‌ای تخصصی جهت گردآوری اطلاعات از تفاسیر قرآن کریم (به‌ویژه تفسیر نمونه) و لوح‌های فشرده قرآنی، کتب، مقالات علمی، آرشیو و سایت‌های اطلاعاتی و همچنین شبکه جهانی اینترنت مرتبط با موضوع استکبارستیزی استفاده شده است.

روش تحلیل داده‌ها؛ روش تحلیل داده‌های تحقیق طی سه مرحله و با روش کیفی به شناسایی گزاره‌های منتخب و آیات مرتبط با استکبارستیزی؛ احصاء کدهای موجود در آیات؛ تبیین مفاهیم یا کدهای مشترک بین آیات (گزاره‌ها) و تبدیل به مقوله‌ها به می‌پردازد و سپس با کدگذاری محوری به شناسایی مقوله‌های علی، محوری، واسطه‌ای، محیطی، راهبردی و پیامدی استکبارستیزی و سرانجام با کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی) روابط بین مقوله‌ها و



تولید قضایا (بیان رابطه مفهومی بین مقوله‌های استکبارستیزی) اقدام می‌کند و سرانجام به طراحی چارچوب مفهومی اختصاص دارد. (اشتراوس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۴)

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:

در نخستین مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز اقدامات زیر را انجام گرفته است:

الف- مطالعه کل قرآن کریم و انتخاب آیات (گزاره‌های منتخب) مرتبط با استکبارستیزی

ب- تفسیر آیات منتخب بر اساس تفسیر نمونه به منظور احصاء کدهای موجود در آن‌ها

ج- تبیین کدهای هر آیه که با استکبارستیزی مرتبط هستند.

د- تبیین مفاهیم یا همان کدهای مشترک بین آیات که با استکبارستیزی مرتبط هستند.

ح- تبیین مقوله یا همان مفاهیم مشترک بین آیات که با استکبارستیزی مرتبط هستند؛

و- مشخص کردن شناسه‌های مشترک کدها.

جدول ۱: تحلیل کدگذاری باز

شناسه مفاهیم	کد (مفاهیم)	مفهوم تصریحی متن	گزاره انتخابی از تفسیر	متن آیه و منبع
A61	برو غرور	۱- همه متکبران	از آنجاکه اشراف متکبر و مغرور زمان او، از نظر ظاهر بسیار نیرومند بودند، عکس‌العمل آن‌ها نیز شدیدتر از دیگران بود، آن‌ها روی زور و قدرت خویش تکیه کرده، به تهدید شعب و یارانش پرداختند، چنان‌که قرآن می‌گوید:	قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَتُنْخِرَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ
A62	ثروت‌اندوزی	مغرور، روی زور و قدرت خویش تکیه کرده، به تهدید پرداختند	اشراف زورمند و متکبر قوم شعیب به او گفتند سوگند یاد می‌کنیم که قطعاً هم خودت و هم کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون خواهیم راند، مگر اینکه هر چه زودتر به آئین ما بازگردید. البته تهدید مخالفان تنها همین نبوده است، پاسخی که شعیب در برابر این همه تهدید و خشونت به آن‌ها داد خیلی ساده و ملایم و منطقی بود، گفت: آیا می‌خواهید ما را به آئین خودتان بازگردانید، اگر چه مایل نباشیم» (قال أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ)	سوره اعراف آیه ۸۸
A63	زور قدرت	۲- قطعاً هم خودت و هم کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از محیط خود بیرون می‌کنیم	در حقیقت شعیب می‌خواهد بگوید: آیا سزاوار است شما عقیده خود را بر ما تحمیل کنید و خود بر ما و آئینی که فساد و بطلان آن بر ما آشکار است چه سودی برای شما دارد.	تفسیر نمونه ج ۶ ۲۵۳-۵۵
A64	تهدید رعب	۳- تحمیل عقیده خود بر ما و آئینی که فساد و بطلان آن بر ما آشکار است چه سودی برای شما دارد.		
A65	تحمیل عقیده باطل			
A66	سیاست‌های فاسد تحمیلی			



از اقدامات صورت گرفته در مرحله کدگذاری باز» ۴۹۲ کد به دست آمده از قرآن روایات، که باید در این مرحله در قالب بسیار محدودتری دسته‌بندی شوند، آنگاه برای هر دسته عنوان مناسبی مقوله (مؤلفه) برگزیده شود که دربرگیرنده محتوی همه مفاهیمی است که در یک گروه جمع شده‌اند. در روش شناسی گرانند تئوری به این عمل «کدگذاری محوری گفته می‌شود. در جدول کدگذاری محوری که به کمک کارشناسان حوزوی و دانشگاهی و با استفاده از تست خبرگی و سپس تکنیک چند رأیی فراهم شده است، نمونه آن در جدول ذیل آمده است.

(جدول ۲: تحلیل کدگذاری محوری)

شناسه مقوله	نوع مقوله	زیرمقوله‌ها	کدها (مفاهیم Concepts)	شناسه‌های مشترک
B1	علی	روحیه استکباری	کیروغور خودبینی خودخواهی خودبرتربینی تکبر ورزیدن کبر سبب هلاکت است کبر و غرور چشمه گناهان غرور و تکبر و زری ضرر بزرگ برای متکبرین کیروغور و در دلهاشان خود بزرگ بینی برتری جویی خودخواهی تحقیر مردم تکبر نشانه جهل عجب و تکبر تکبر سبب فرومایگی تکبر باعث طغیان سرکشی	A1+A10+ A16+A47+A73+ A81+A99+A110 +A152+A169+A 200+A433+A44 2+A444+A449+ A464+A473
B2	محوری	گفتمان استکبار ستیزی	تفکر استکبار ستیزی عدم ضعف استقلال فکری قرآن بهترین الگوی مبارزه قاطعیت شجاعت اجتناب از طاغوت نبرد با طاغوت ایمان، پایداری فداکاری حفاظت از روح تهاجم ایمان و اراده راسخ عدم مسامحه کاری برانت بیزاری از استکبار اتکاء به قدرت درون شهامت و شهادت طلبی اطاعت از دستور رهبری مبارزه پی گیر مستمر اوج مسلمانی مقابله با دشمن	A4+A94+A119+ A125+A139+A1 63+A231+A248 +A275+A310+A 326+A364+A38 6+A393+A416+ A459
B3	محدود کننده	رفاه تجدد طلبی	اشرافی گری و ثروت اندوزی کسب قدرت و ثروت زور و قدرت تهدید ارباب تحمیل عقیده باطل به واسطه قدرت سیاست‌های فاسد و تحمیلی عامل گمراهی امت توطئه‌ها و تبلیغات مکارانه زر و زور مقام فخر فروشی بر جامعه زور و زر و تزویر کسب ثروت نامشروع مخالفت اجبار مال‌اندوزی و قدرت طلبی تحمیل افکار با زور قدرت، ثروت سبب طغیان اقتضای منافع سلطه دشمن برای کسب منافع زر، تزویر سبب هدم فضائل	A54+A58+A62+ A63+A64+A65+ A72+A86+A91+ +A109+A114+A 115+A132+A19 7+A205+A225+ A226+A227+A3 15+ A4486

کدگذاری انتخابی با تلفیق مقوله‌هایی که برای شکل‌گیری چارچوب تئوریک اولیه توسعه داده شده‌اند، مرتبط بوده و دسته‌بندی مقوله‌های استکبار ستیزی جمهوری اسلامی ایران از نظر



آموزه‌های قرآن کریم. در این تحقیق در مرحله کدگذاری انتخابی وجوه مشترک مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مراحل قبلی شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر محدودتری سامان‌دهی شدند. با این وجود تعداد این مؤلفه‌ها به "۳۲" مورد رسید بر اساس نظرخواهی از خبرگان، مؤلفه‌های حاصل‌شده در پنج گروه دسته‌بندی شدند. در (جدول شماره ۳) چهار گروه اصلی به همراه مؤلفه‌های راهبردی، احصاء شده.

جدول ۳: تحلیل کدگذاری انتخابی

ردیف	شناسه مقولات	مقولات	مضامین
۱	B1+B2+B3+B4 +B5+B6+B30	روحیه استکباری تعصب جاهلی عناد ولجاعت جهل فساد فرهنگ استکباری استضعاف پذیری	علی
۲	B10+B11+B12 +B13+B14	استکبارستیزی بصیرت هوشیاری عدم اعتماد و تکیه بر مستکبرین رهبری اُمت اسلامی استحکام قدرت درونی	زمینه‌ای
۳	B14+B15+B17+B22+B23+B31+B32	جلب امداد غیبی امنیت پایدار نفی هرگونه سلطه‌پذیری رشد توسعه است خلاف صالحان دفاع هوشمندانه اقتدار ملی	پیامدی
۴	B5+B16+B18 +B19+B20	گفتنمان استکبارستیزی قرآن محوری مضایره و مرابطه شهادت و مؤثر شهادت‌طلبی نیروی بالیمان ایثارگر	مؤثر
۵	B7+B25+B28+B29+B26+B27	رفاه تجددطلبی فساد و نا امنی تفرقه و نفاق اشرافی گری فتنه یأس و نومیدی	مداخله‌گر (بازدارنده)
۶	B21+B22+B23+ B31+B32+B28	رویکرد جهادی توکل و تقوی استقامت و صبر انقلابی دفاع هوشمندانه استحکام قدرت درونی	واسطه‌ای

در نخستین مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز مطالعه کل قرآن کریم و انتخاب آیات (گزاره‌های منتخب) مرتبط با استکبارستیزی و تفسیر آیات منتخب بر اساس تفسیر نمونه به‌منظور احصاء کدهای موجود و تبیین کدها مفاهیم هر آیه که با استکبارستیزی مرتبط بودند شکل گرفت؛ و سپس تبیین مفاهیم مشترک بین آیات و مشخص کردن شناسه‌های مشترک صورت پذیرفت؛ که از اقدامات صورت گرفته در مرحله کدگذاری باز (۴۹۲ کد) احصاء گردید؛ و در مرحله کدگذاری محوری در قالب بسیار محدودتری دسته‌بندی شدند. و در این بخش به کمک کارشناسان حوزوی و دانشگاهی و با استفاده از آزمون خبرگی مفاهیم مشخص گردیدند. و در مرحله پایانی (گذاری انتخابی) وجوه مشترک مفاهیم به‌دست‌آمده از مراحل قبلی شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر محدودتری با عنوان مقوله سامان‌دهی شدند. با این وجود تعداد این



مقولات به (۳۲) مقوله رسید و مقوله‌های حاصل شده در پنج گروه دسته‌بندی شدند. وبر همین اساس مدل مفهومی در شکل زیر طراحی گردید.



مدل مفهومی الگوی استکبار ستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر آموزه‌های قرآن کریم



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف- نتیجه‌گیری:

آموزه‌های توحید و خداپرستی قرآن به‌هیچ‌وجه با استکبار و خودکامگی سازگار نیست بلکه در سراسر قرآن ناسازگاری با استکبار و خودسری‌های آن‌ها مشاهده می‌شود. استکبار جهانی امروزه با تفکر و روحیه استکباری خود به حمله و غارت ملت‌ها با راه‌اندازی تفرقه، اختلاف دروغ‌پراکنی، توسعه‌ی بی‌بندوباری و فساد، گمراهی بسیاری از جوامع انسانی، منفعت‌طلبی، کسب سلطه جهانی، جلوگیری از رشد ملت‌های ضعیف، تجاوز به حقوق دیگر ملل، فخر و مباهات بر امتیازات مادی، داوری بر اساس مادیات و سرپیچی از حق، فریب و خدعه، تهاجم فرهنگی و اقدامات سرکوبگرانه اهداف خود را دنبال می‌کند؛ و این قبیل دستگاه‌های شیطانی، دشمنان تمامی ملل مظلوم جهان به‌ویژه جمهوری اسلامی هستند. با عنایت به اهمیت موضوع، محقق با گزینش آیات مربوطه و همچنین مصاحبه اکتشافی با صاحب‌نظران به استخراج مقوله‌هایی که تشکیل‌دهنده الگوی مفهومی استکبارستیزی از منظر آیات قرآنی است پرداخته است. در این زمینه به مهم‌ترین، **مضامین؛ علی** (مؤثر)، زمینه‌ای، پیامدی بازدارنده این الگو که جنبه تجویزی داشته رسیده است که می‌تواند به‌عنوان راهکاری جهت سیاست‌گذاری متولیان امور به‌ویژه در حوزه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

ب- پیشنهادها:

(۱) پیشنهادهای کاربردی:

- با استفاده از نتایج این تحقیق توسط سازمان‌های لشکری و کشوری به‌منظور آشنایی مسئولان، مدیران و فرماندهان با پیامدهای استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن، همایش و گردهمایی‌های علمی آموزشی برگزار نمایند.
- با استفاده از نتایج این پژوهش در حوزه دیپلماسی کشور (وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی) جهت انجام مراتب و مذاکرات راهگشاست.

(۲) پیشنهادهای توسعه‌ای:

- استکبارستیزی از منظر نهج البلاغه و سیره ائمه معصوم (علیهم السلام) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.
- استکبارستیزی از منظر ولایت فقیه و قانون اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.
- استکبارستیزی از منظر قیام امام حسین (علیه السلام) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.



فهرست منابع:

الف- منابع فارسی:

- قرآن کریم، ترجمه: آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۳) دارالقرآن الکریم، قم
- حضرت امام خمینی، سید روح ا... (۱۳۸۶) مجموعه صحیفه امام، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران
- حضرت امام خمینی، سید روح ا... (۱۳۸۶) استضعاف و استکبار، مؤسسه و نشر آثار امام خمینی (رحمت ا... علیه)، تهران
- حضرت امام خمینی، سید روح ا... (۱۳۸۵) مجموعه صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
- حضرت امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸) حدیث ولایت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۰) اسوالغابه فی معرفه الصحابه، انتشارات دارالفکر، بیروت
- اردبیلی، سید عبد الغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- اشتراوس و همکاران، (۱۳۹۰) اصول روش تحقیق کیفی (مترجم) بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها، اشارات روزنه، تهران
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱) حیات فکری سیاسی امامان شیعه، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- حمیری معافری، ابن هشام (۱۴۱۴) السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا، دار المعرفه، بیروت
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن، انتشارات نشر دارا لعلم، دمشق
- سروش، محمد وحید ری، احمد (۱۳۸۶) استضعاف و استکبار در قرآن، پژوهشکده اسلامی، چاپ اول، قم
- سید موسوی، مهدی (۱۳۹۴) بررسی روش‌های مبارزه با استبداد در قرآن، نشر فرهنگ و معارف قرآن



- سیدجوادین، سیدرضا و اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۸۹) تئوری سازی داده بنیاد و نرم افزار، تهران
- شیدا بیان، حسین (۱۳۹۳) الزامات انقلاب اسلامی در مقابله با استکبار جهانی از نگاه امام خمینی (رحمت... علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فصلنامه حصون، بهار شماره ۱۱
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، قم
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ احمد حسین اشکوری، تهران
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴) الأمالی، انتشارات دارالتقافه، قم
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴) بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، تهران
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳۶، تهران
- مهربانی، امیر حمزه، (۱۳۹۳) توانمندسازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد

ب- سایت:

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای. www.khamenei.ir

